

مقدمه

تا به حال چند بار جمله زیر را خوانده‌اید:

«ما این ادعا را داریم که بهترین کتاب کنکور را برای درس ... نوشته‌ایم.»

بر خلاف جمله بالا، ما چنان ادعایی نداریم (شاید بی‌ادعا بودن، خود بزرگ‌ترین ادعاست) و اعتقادمان این است که بهترین قضاوت‌کنندگان، معلم‌ها و دانش‌آموزان عزیز هستند که بهتر از هرکسی می‌دانند کدام کتاب بهتر است. در تک‌تک لحظات تألیف این کتاب و در یکایک کلمات این کتاب، ردپای عشق به دانش‌آموزان میهن عزیزمان به چشم می‌خورد. تلاش شبانه‌روزی ما، خود گواه این مدعاست.

در تألیف این کتاب سعی کرده‌ایم درس‌نامه‌ها روان باشند، اضافه‌گویی نکرده باشیم، تست‌ها استانداردسازی شده باشند، پاسخ‌های تشریحی کامل و مفید باشند، آزمون‌ها به سبک کنکور سراسری باشند و ... بقیه کار را به شما می‌سپاریم تا با تمام وجودتان مطالعه این کتاب را آغاز کنید و با پیشرفت کردن و کسب مدارج عالی، لبخند رضایت روی لبانتان نقش ببندد.

معرفی کتاب و بخش‌های آن

■ **درس‌نامه گرامر:** در درس‌نامه‌های گرامر هر آنچه را که برای کنکور نیاز دارید، با زبانی ساده و شیرین آموزش داده‌ایم. برای اطمینان، بعد از آموزش هر مبحث گرامری، چند تست آورده‌ایم تا با کاربرد آن نکات در تست‌ها نیز آشنا شوید.

■ **۱۰۰+:** در این بخش به توضیح مطالبی پرداخته‌ایم که به طور مستقیم در کتاب درسی نیامده است ولی در تمرین‌ها و جملات کتاب وجود دارند و یا نکاتی هستند که به راحتی نمی‌شود از آن‌ها چشم‌پوشی کرد. (مانند حذف ضمیر مفعولی در درس ۲ سال دوازدهم) با خواندن این بخش خیالتان راحت خواهد شد که هیچ نکته‌ای وجود ندارد که شما بلد نباشید و یا حتی بیشتر از طراح می‌دانید.

■ **درس‌نامه واژگان:** تمام واژگان کتاب درسی و کتاب کار هر درس را به صورت جلسه‌بندی شده آموزش داده‌ایم. برای هر واژه یک مثال آورده‌ایم و هم‌چنین تمام موارد مربوط به هر واژه (مانند معنی دوم و سوم، مترادف، متضاد، هم‌خانواده، هم‌نشین و ...) را به طور کامل بررسی کرده‌ایم.

■ **درس‌نامه ریدینگ:** پیش از پاسخ‌گویی به سؤالات درک مطلب باید با تکنیک‌ها و مهارت‌های متن‌خوانی آشنا باشید. تمامی این تکنیک‌ها و مهارت‌ها را به همراه تحلیل تست‌های آموزشی کنکورهای سراسری سال‌های اخیر، در این درس‌نامه خواهید یافت. به جرأت می‌توانیم بگوییم که این درس‌نامه کامل‌ترین و جامع‌ترین درس‌نامه ریدینگ است.

■ **کلوز تست:** برای هر درس حداقل ۵ کلوز تست آورده‌ایم. در طرح این کلوز تست‌ها، چند نکته مهم را رعایت کرده‌ایم:

۱ سؤالات واژگان از همان درس باشند.

۲ سؤالات گرامر از همان درس باشند.

۳ سبک و سیاق تست‌ها شبیه به کنکورهای اخیر باشد.

۴ تناسب بین تست‌های واژه و گرامر با توجه به تغییرات کنکورهای اخیر، هماهنگی داشته باشد.

■ **درک مطلب:** یکی از نقاط قوت این کتاب، تست‌های درک مطلب است. به طور مثال در سال دوازدهم برای هر درس، ۵ درک مطلب طرح شده که از همه نظر (سبک سؤال، بلندی گزینه‌ها، سختی و دشواری متن، تعداد واژگان هر متن، موضوع متن و...) با کنکورهای سال‌های اخیر مطابقت دارند. به شما اطمینان می‌دهیم که بعد از تحلیل این درک مطلب‌ها، پیشرفت چشم‌گیری در این زمینه خواهید داشت.

■ **تست‌های سطح‌بندی شده:** یکی از دشوارترین بخش‌های تألیف، سطح‌بندی تست‌ها است. تمامی تست‌های گرامر، واژگان کلوز تست و ریدینگ از ساده به دشوار مرتب شده‌اند. تست‌های ۶۰٪: این تست‌ها صرفاً جنبه آموزشی دارند و با پاسخ دادن به آن‌ها فرایند یادگیری کامل می‌شود. تست‌های ۸۰٪: این تست‌ها نقش تست‌های جامع را دارند و شما را برای کسب درصد ۸۰ آماده می‌کنند. در بین این تست‌ها نکات جدیدی را یاد خواهید گرفت که در افزایش تسلط شما نقش مهمی را ایفا می‌کنند. تست‌های ۱۰۰٪: اگر به دنبال کسب درصد ۱۰۰ هستید، باید خودتان را با این تست‌ها محک بزنید. در طرح این تست‌ها، از ریزه‌کاری‌هایی استفاده کرده‌ایم که می‌تواند دقت و اطلاعات شما را به چالش بکشد.

■ پاسخ‌های تشریحی:

در پاسخ‌نامه تشریحی گرامر هر ۴ گزینه را برای شما تحلیل کرده‌ایم. در بخش واژگان نیز نکات مهم و کاربردی را توضیح داده‌ایم. چنین روندی در پاسخ تشریحی کلوز و ریدینگ هم وجود دارد که از ویژگی‌های این کتاب است.

■ آزمون‌های جامع:











در انتهای کتاب ۷ آزمون جامع از کنکورهای اخیر آمده است. حتماً این آزمون‌ها را تحلیل کنید.

تشکرنامه

- متشکریم از آقای احمد اختیاری، مدیریت انتشارات مهروماه به خاطر اعتماد و نظرات ارزشمندشان.
- خانواده‌هایمان مهم‌ترین نقش را در طول تألیف این کتاب بازی کردند که بسیار به آن‌ها مدیون هستیم.
- جناب آقای محمد سهرابی که در ویرایش کتاب، کمک شایانی به ما کردند.
- از تیم ویراستاری، تولید و هنری بی‌نظیر مهروماه، سرکار خانم‌ها هانیه پورآقایی مسئول ویراستاری، مریم تاجداری مدیر تولید، صفحه‌آرهای کتاب، خانم‌ها مرجان سپهریان و بهناز آب‌خرابات و تیم خلاق واحد هنری و تک‌تک عزیزانی که به هر نحو سهمی در تولید این کتاب داشتند.

لبخندتان الهام‌بخش وجود ماست.
مجتبی محمودی - حمیدرضا نوربخش

فهرست

پاسخ	سؤال		
		Vision 1	
۳۰۸	۱۴	Saving Nature Chapter 1	
۳۱۹	۴۰	Wonders of Creation Chapter 2	
۳۳۰	۶۵	The Value of Knowledge Chapter 3	
۳۴۰	۸۸	Traveling the World Chapter 4	
		Vision 2	
۳۵۰	۱۱۴	Understanding People Chapter 1	
۳۶۳	۱۴۳	A Healthy Lifestyle Chapter 2	
۳۷۶	۱۷۱	Art and Culture Chapter 3	
		Vision 3	
۳۸۹	۲۰۲	Sense of Appreciation Chapter 1	
۴۰۶	۲۴۱	Look it Up! Chapter 2	
۴۲۳	۲۷۴	Renewable Energy Chapter 3	

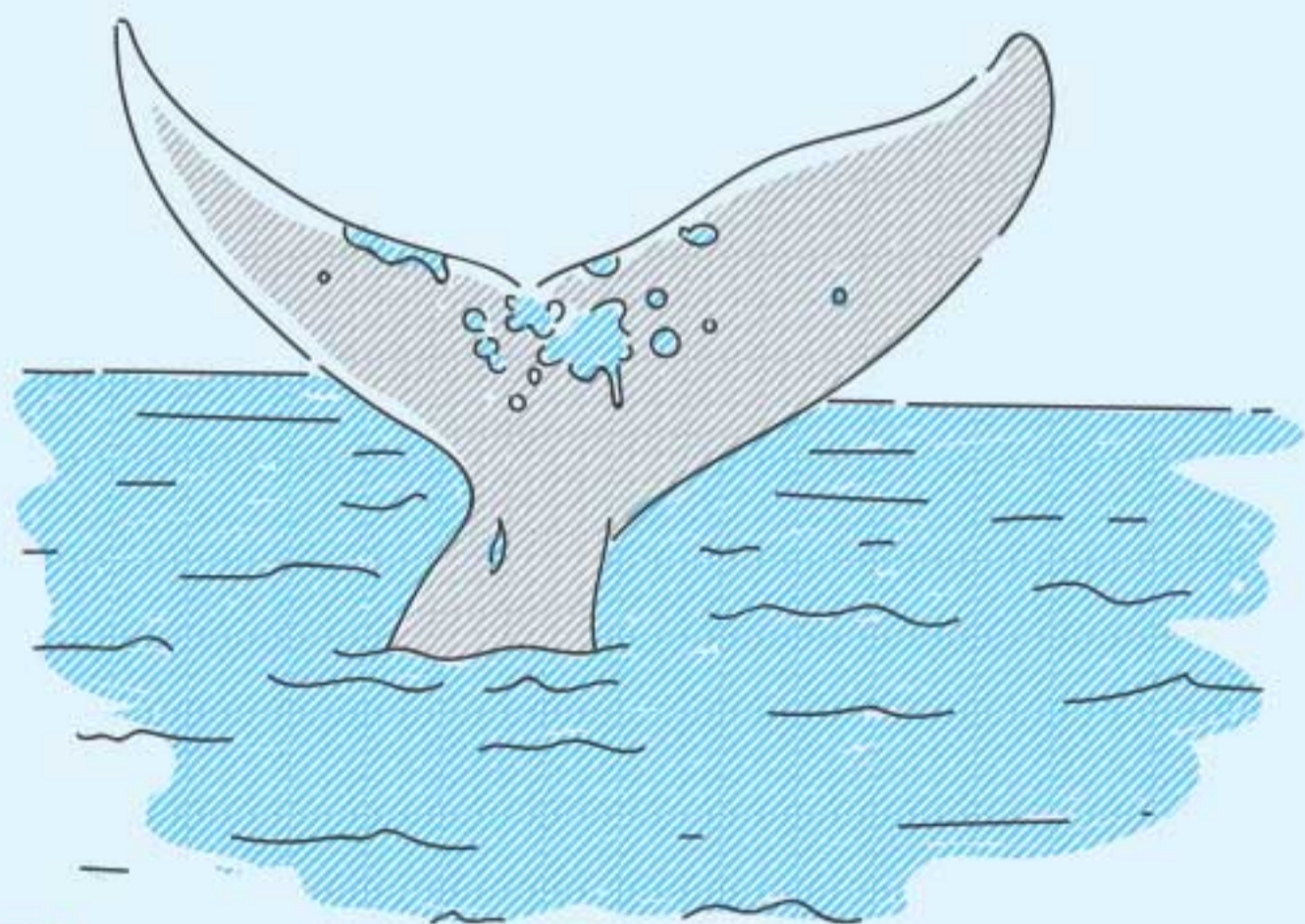
۴۴۱

سؤالات کنکور ۱۴۰۰

برای مشاهده و دریافت پاسخنامه تشریحی
کنکور ۱۴۰۰، این رمزینہ را اسکن کنید.



Vision 1



Chapter 1 | Saving Nature

Chapter 2 | Wonders of Creation



Chapter 3 | The Value of Knowledge

Chapter 4 | Traveling the World





گرامر

Grammar

زمان آینده

این مثال‌های فارسی را بخوانید:
 ۱) در آینده دکتر خواهم شد.

۲) قرار است هفته آینده باران ببارد.
 ۳) قصد داریم سال بعد به اسپانیا برویم.
 بعد از خواندن سه مثال بالا متوجه می‌شویم که زمان این جمله‌ها آینده است. در زبان انگلیسی برای بیان عملی که در زمان آینده رخ می‌دهد، می‌توانیم از «فعل ساده + will» و یا «فعل ساده + be going to» استفاده کنیم. هر کدام از این دو ساختار کاربردها، نکات و تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم.

← زمان آینده با will

یکی از روش‌ها برای بیان زمان آینده، استفاده از will است که ساختار آن به شکل زیر است:

ادامه جمله + فعل ساده + will / 'll + فاعل

e.g. We will visit a museum next week.

هفته آینده از یک موزه دیدن خواهیم کرد.

💡 will را می‌توان به شکل مخفف «ll» نوشت.

e.g. I'll travel to Spain next year.

سال آینده به اسپانیا سفر خواهم کرد.

ساختار منفی

برای منفی کردن زمان آینده، not را بعد از will به کار می‌بریم.

ادامه جمله + فعل ساده + will + not / won't + فاعل

e.g. I will not win the match.

من مسابقه را نخواهم برد.

💡 will not را می‌توانیم به شکل مخفف «won't» بنویسیم.

e.g. I won't read that book.

آن کتاب را نخواهم خواند.

ساختار سؤالی

برای سؤالی کردن، کافیسست will را قبل از فاعل قرار بدهیم.

? ادامه جمله + فعل ساده + فاعل + Will

e.g. Will you lend him the book?

آیا آن کتاب را به او قرض می‌دهی؟

ساختار سؤالی با کلمات پرسشی

برای سؤالی کردن با استفاده از کلمات پرسشی (How, Who, Why, Where, When, What, ...) باید کلمات پرسشی را ابتدای جمله، بعد از آن will و سپس فاعل را بیآوریم.

? ادامه جمله + فعل ساده + فاعل + will + کلمه پرسشی

e.g. When will the tourists visit Shiraz?

توریست‌ها چه زمانی شیراز را خواهند دید؟

💡 اگر کلمه پرسشی درباره فاعل سؤال کند، فاعل را حذف می‌کنیم.

e.g. Who will visit Shiraz next summer?

چه کسی تابستان آینده از شیراز دیدن خواهد کرد؟

کاربردهای will

در موقعیت‌های زیر از زمان آینده با will استفاده می‌کنیم:

۱) تصمیم‌گیری لحظه‌ای (آنی):

e.g. I'm thirsty. I will buy a drink.

من تشنه هستم. یک نوشیدنی خواهم خرید.

(در این مثال، فرد تشنه است و همین الان تصمیم به خرید نوشیدنی می‌گیرد، بنابراین باید از will استفاده کنیم.)

۲) پیش‌بینی براساس نظر شخصی:

e.g. I think it will rain tomorrow.

فکر کنم فردا باران خواهد آمد.

(در این مثال، هیچ نشانه‌ای برای باریدن باران وجود ندارد و فرد براساس نظر خودش بیان می‌کند که فردا باران می‌بارد، بنابراین ساختار will به کار می‌رود.)



- ۳ برای دادن یا گرفتن اطلاعات:**
 کریسمس در روز دوشنبه خواهد بود.
 (در این مثال، با گفتن این که روز کریسمس، دوشنبه خواهد بود، داریم اطلاعاتی می‌دهیم و باید از **will** استفاده کنیم.)
- ۴ اشاره به وقایع حتمی در زمان آینده:**
 ماه آینده برادرم ۳۰ ساله خواهد شد.
 (در این مثال، ۳۰ ساله شدن یک رویداد حتمی است که در آینده اتفاق می‌افتد و به همین دلیل باید **will** به کار رود.)
- ۵ قول دادن، تهدید کردن، تمایل یا عدم تمایل به انجام کاری در آینده:**
 نگران نباش، من به کسی نخواهم گفت.
 (در این مثال، فرد دارد قول می‌دهد که به کسی چیزی نگوید. بنابراین باید از **will** استفاده کنیم.)
- ۶ پیشنهاد، درخواست، خواهش، تقاضا:**
 اگر دوست داشته باشید جو فردا به شما کمک خواهد کرد.
 (در این مثال، فرد پیشنهاد کمک می‌دهد و به همین دلیل باید **will** به کار رود.)
 ممکن است لطفاً ساکت باشی؟
 (در این مثال فرد دارد خواهش می‌کند که مخاطب ساکت شود.)
 در جدول زیر مهم‌ترین نشانه‌های زمان آینده را برایتان آورده‌ایم: این شما و این هم نشانه‌های زمان آینده:

tomorrow	فردا	tonight	امشب
afternoon	عصر	today	امروز
this year	امسال	the day after tomorrow	پس فردا
later	بعداً	soon	به زودی
next (day, week, ...)	(روز، هفته، ...) بعد، آینده	on (days of the week) on Saturday, ...	در روزهای هفته در روز شنبه، ...
in + زمان in 3 hours	طی ... دیگر سه ساعت دیگر		

← زمان آینده با **be going to**

روش دیگری که با آن می‌توانیم زمان آینده را نشان بدهیم، استفاده از **be going to** است که ساختار آن به شکل زیر است:

ادامه جمله + فعل ساده + **am / is / are + going to** + فاعل

- e.g.** I am going to travel to the north of Iran. من قصد دارم به شمال ایران سفر کنم.
 برای فاعل I از **am**، فاعل‌های **he/she/it** از **is** و فاعل‌های **we/you/they** از **are** استفاده می‌کنیم.

ساختار منفی

ادامه جمله + فعل ساده + **am/is/are + not + going to** + فاعل

- e.g.** Jack is not going to help you. جک قصد ندارد به تو کمک کند.
 برای منفی کردن باید از **not** بعد از فعل‌های کمکی (**am / is / are**) استفاده کنیم.

ساختار سؤالی

برای سؤالی کردن کافی است **am/is/are** را در ابتدای جمله و قبل از فاعل بیآوریم.

? ادامه جمله + فعل ساده + **going to** + فاعل + **Am /Is/Are**

- e.g.** Are you going to visit your grandmother? قصد داری مادربزرگت را ملاقات کنی؟

کاربردهای **be going to**

در موقعیت‌های زیر از زمان آینده با **be going to** استفاده می‌کنیم:

۱ بیان انجام کاری با قصد و برنامه‌ریزی قبلی:

- e.g.** A: "Why do you want to sell your car?"
 B: "I'm going to buy a new house."
 الف: «چرا می‌خواهی ماشینت را بفروشی؟»
 ب: «قصد دارم یک خانه جدید بخرم.»
 (در این مثال، فرد از قبل قصد داشته یک خانه جدید بخرد و به همین دلیل می‌خواهد ماشینش را بفروشد. حالا متوجه شدید چرا باید از ساختار **be going to** استفاده کنیم؟)

۲ پیش‌بینی عملی در زمان آینده با استفاده از نشانه‌های موجود:

e.g. The traffic is terrible. We're going to miss our flight.

ترافیک وحشتناک است. ما پروازمان را از دست خواهیم داد.

(در این مثال، وجود ترافیک نشانه‌ای است که باعث می‌شود فرد پیش‌بینی کند پروازشان را از دست خواهند داد و به همین دلیل باید از **be going to** استفاده کنیم.)

100+

وقتی می‌خواهیم در مورد واقعه‌ای صحبت کنیم که در زمان خاصی در آینده شروع می‌شود و بعد از آن ادامه پیدا می‌کند، از آینده‌ استمراری استفاده می‌کنیم.

ing + فعل + will + be + فاعل

e.g. He will be studying all next year.

او تمام سال آینده در حال درس خواندن خواهد بود.

e.g. He will not be studying all next year.

او تمام سال آینده در حال درس خواندن نخواهد بود.

e.g. Will he be studying all next year?

آیا او تمام سال آینده در حال درس خواندن خواهد بود؟

تفاوت will با be going to

تا این‌جا نکات **will** و **be going to** را به همراه کاربردهایشان یاد گرفتیم. حالا نوبت آن رسیده است که بدانیم این دو ساختار چه تفاوت‌هایی دارند. دو تفاوت مهم این دو ساختار عبارتند از:

۱ برای بیان عملی که قبلاً تصمیم به انجام آن گرفته‌ایم، ساختار **be going to** به کار می‌رود و برای تصمیم‌گیری لحظه‌ای (آنی) از **will** استفاده می‌کنیم:

e.g. I have got a flight ticket for 3 o'clock tomorrow. I'm going to travel to England.

من یک بلیط هواپیما برای فردا ساعت ۳ خریده‌ام. قصد دارم به انگلستان سفر کنم.

(در این مثال، سفر کردن به انگلستان عملی است که فرد از قبل برای آن تصمیم گرفته است چون برای پرواز بلیط خریده است و به همین دلیل باید از **be going to** استفاده کنیم.)

e.g. I will travel to England.

من به انگلستان سفر خواهم کرد.

(در این مثال، هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که فرد از قبل برای سفر به انگلستان تصمیم گرفته باشد و به همین دلیل تصمیم‌گیری فرد یک تصمیم‌گیری لحظه‌ای بوده است و باید از **will** استفاده کنیم.)

۲ اگر پیش‌بینی براساس شواهد موجود باشد از ساختار **be going to** استفاده می‌کنیم و اگر پیش‌بینی براساس نظرسنجی شخصی باشد باید ساختار **will** را به کار ببریم:

e.g. Look at those black clouds. It is going to rain.

به آن ابرهای تیره نگاه کن. قرار است باران بیاید.

(در این مثال، وجود ابر در آسمان نشانه‌ای است که فرد پیش‌بینی می‌کند فردا باران می‌آید. بنابراین باید از **be going to** استفاده کنیم.)

e.g. Perhaps it will rain.

شاید باران بیاید.

(در این مثال، فرد براساس نظر شخصی، آمدن باران را پیش‌بینی می‌کند و به همین دلیل باید از ساختار **will** استفاده کنیم.)

1. A: "Do you want to go out with your friends?"

B: "No, I the match on TV."

1) am going to watch

2) am watching

3) will watch

4) watched

پاسخ: گزینه ۱

الف: «آیا می‌خواهی با دوستانت بیرون بروی؟»

ب: «نه، می‌خواهم مسابقه را در تلویزیون ببینم.»

توضیح با توجه به مفهوم جمله متوجه می‌شویم که نقطه‌چین را باید با زمان آینده کامل کنیم. (حذف گزینه‌های «۲» و «۴») با توجه به این که برای تماشای تلویزیون در آینده، قصد و تصمیم قبلی وجود دارد، باید از ساختار **be going to** استفاده کنیم. (حذف گزینه «۳»)

2. A: "I've got a headache."

B: "Wait here an aspirin for you."

1) I get

2) I'll get

3) I'll going to get

4) I got

پاسخ: گزینه ۲

الف: «من سردرد دارم.»

ب: «این‌جا منتظر باش. من برایت یک اسپرین می‌گیرم.»

توضیح با توجه به مفهوم جمله متوجه می‌شویم که نقطه‌چین را باید با زمان آینده کامل کنیم. (حذف گزینه‌های «۱» و «۴») با توجه به این که همان لحظه تصمیم به گرفتن (خریدن) اسپرین می‌کند، باید از ساختار **will** استفاده کنیم. (حذف گزینه «۳»)

100+

از زمان‌های حال ساده و حال استمراری می‌توانیم برای اشاره به زمان آینده استفاده کنیم.

۱ برای بیان عملی در آینده طبق برنامه‌ریزی و زمان‌بندی از زمان حال ساده استفاده می‌کنیم:

e.g. The train leaves at 5 this afternoon.

قطار امروز عصر ساعت ۵ حرکت خواهد کرد.

۲ در صورتی که دو جمله با حروف ربط مانند **before, when, while, by the time, until, after, ...** به هم متصل شده و به عملی در زمان آینده اشاره داشته باشند، به جای **will** از حال ساده استفاده می‌کنیم. در مثال زیر جمله اول درست و جمله دوم نادرست است.

e.g. When you see Dave, tell him he still owes me some money. (correct form)

وقتی دیوید را دیدید، به او بگویید هنوز مقداری پول به من بدهکار است.

e.g. When you will see Dave, tell him he still owes me some money. (incorrect form)



۲ برای بیان رویدادهای برنامه‌ریزی شده در آینده می‌توانیم از حال استمراری استفاده کنیم:

e.g. I'm not inviting Tom to the party.

نام را به مهمانی دعوت نمی‌کنم.

۳ در انگلیسی محاوره می‌توانیم از gonna به جای be going to استفاده کنیم:

e.g. I gonna buy a new car next year.

قرار است سال آینده یک ماشین جدید بخرم.

۴ از was / were + going to برای بیان قصدی که در گذشته داشته‌ایم، استفاده می‌کنیم.

e.g. I was going to tidy the flat, but I didn't have time.

من می‌خواستم آپارتمانم را تمیز کنم، ولی وقت نداشتم.

اسم

اسم کلمه‌ای است که برای نامیدن موجودات زنده (teacher, dog, ...) اشیا (notebook, table, ...) و ایده‌ها (love, hate, ...) به کار می‌رود. اسم‌ها را می‌توانیم به دو دسته کلی تقسیم کنیم:

۱. اسم عام (common noun):

door (در) - book (کتاب) - girl (دختر)

این اسامی به گروهی از موارد شبیه به هم دلالت دارند:

۲. اسم خاص (proper noun):

Shakespeare (شکسپیر) - Friday (جمعه) - Shiraz (شیراز)

این اسامی به یک شخص، شیء، حیوان و یا مکان خاص دلالت می‌کنند:

اسم‌های خاص همیشه با حروف بزرگ شروع می‌شوند. (یک بار دیگر مثال‌ها را بخوانید.)

همراهان اسم

همراهان اسم قبل از اسم‌های عام در جمله به کار می‌روند که در ادامه راجع به آن‌ها صحبت خواهیم کرد.

a/an

اگر اسمی مفرد و نکره باشد، قبل از آن a یا an به کار می‌رود.

e.g. I have an apple.

من یک سیب دارم.

e.g. I have a car.

من یک ماشین دارم.

هر چند کتاب درسی شما به کاربردهای a/an اشاره نکرده ولی باید این مبحث را همانند سایر قسمت‌ها به خوبی یاد بگیرید.

100+

کاربردهای a/an

۱ وقتی اسمی برای شنونده ناشناخته است و یا وقتی برای اولین بار درباره اسمی صحبت می‌کنیم، از a/an استفاده می‌کنیم:

e.g. I bought a car.

من یک ماشین خریدم.

۲ قبل از شغل‌ها:

e.g. I'm a teacher.

من یک معلم هستم.

۳ قبل از ملیت‌ها:

e.g. He is an Iranian businessman.

او یک تاجر ایرانی است.

۴ قبل از مذهب‌ها:

e.g. She became a Muslim.

او مسلمان شد.

۵ هرگاه بخواهیم شخصی یا چیزی را با یک صفت توصیف کنیم، قبل از صفت a/an می‌آوریم:

e.g. He has a beautiful car.

او یک ماشین زیبا دارد.

e.g. I watched an interesting film.

من یک فیلم جالب دیدم.

۶ قبل از نام بعضی از بیماری‌ها:

a cold - an earache

سرماخوردگی - گوش‌درد

a یا an

۱ اگر اسمی با حروف صدادار (o - u - i - e - a) شروع شود، آن اسم را با an می‌آوریم و اگر آن اسم با حروف بی‌صدا شروع شود، از a استفاده می‌کنیم.

a book - a girl - an orange - an umbrella

۲ کاربرد a/an به اولین صدای کلمه بعد از آن بستگی دارد نه به املاي آن کلمه.

حالت اول: اگر اسمی با h آغاز شود ولی h تلفظ نشود و حرف بعد از آن صدادار باشد، آن اسم را با an می‌آوریم:

an hour - an honor

حالت دوم: اگر اسمی با o یا u آغاز شود ولی این حروف خوانده نشوند و حرف بعد از آن بی‌صدا باشد، از a استفاده می‌کنیم:

a university - a one-parent family

حالت سوم: در علامت‌های اختصاری هم نیز باید براساس تلفظ از a یا an استفاده کنیم:

an MP3 - a DVD

۲ هر گاه قبل از اسم یک صفت داشته باشیم و بخواهیم a یا an بیاوریم، باید براساس اولین حرف صفت a یا an را به کار ببریم:

a nice girl - an honest person

حرف تعریف the

اگر اسم مورد نظر معرفه باشد (یعنی برای شنونده آشنا باشد)، از the استفاده می‌کنیم.

e.g. We had to paint the apartment before we sold it.

ما قبل از فروختن آپارتمان مجبور بودیم آن را رنگ کنیم.

(در این مثال، می‌دانیم منظورمان کدام آپارتمان است.)

یکی از قسمت‌هایی که در کتاب درسی زیاد به آن نپرداخته‌اند، اما پتانسیل بسیار عالی برای طرح تست دارد، همین بحث the است.

کاربردهای the

۱ اگر اسمی برای بار اول ناشناخته باشد، دومین باری که آن را به کار می‌بریم به صورت شناخته شده می‌آید:

e.g. I bought a book yesterday. The book was interesting.

من دیروز یک کتاب خریدم. کتاب جالبی بود.

۲ اگر شخص یا شیء مورد نظر، برایمان معلوم باشد (در اطرافمان فقط یک عدد از آن وجود دارد):

e.g. Give me the pen, please.

لطفاً خودکار را به من بدهید.

۳ قبل از اسم‌های بی‌همتا (در جهان فقط یکی وجود دارد):

the Earth – the Sky – the Sun – the Moon

۴ قبل از صفت‌های عالی:

the best – the tallest – the oldest

۵ قبل از اعداد ترتیبی:

the first – the second – the third

۶ قبل از صفت‌های next, last, same, only:

the only boy – the same street – the last one

۷ هر گاه اسمی با استفاده از جمله و یا عبارت وصفی بعد از خودش آمده باشد، آن اسم معرفه می‌شود:

e.g. The girl whom you saw is my sister.

دختری که دیدی خواهرم است.

۸ قبل از مناطق جغرافیایی:

the beach – the town – the seaside

۹ قبل از رسانه‌های گروهی (theater, radio, television, cinema, ...):

the radio – the theater

۱۰ وقتی در مورد زمان صحبت می‌کنیم:

the past – the present – the future

صفت‌های اشاره

صفت اشاره برای اشاره به دور و نزدیک به کار برده می‌شود.

قبل از اسم‌های عام می‌توانیم از صفت‌های اشاره (this / that / these / those) استفاده کنیم. به این مثال‌ها توجه کنید:

e.g. this book

این کتاب

(this قبل از اسم مفرد به کار می‌رود و اشاره به نزدیک دارد.)

e.g. that book

آن کتاب

(that قبل از اسم مفرد به کار می‌رود و اشاره به دور دارد.)

e.g. these books

این کتاب‌ها

(these قبل از اسم جمع به کار می‌رود و اشاره به نزدیک دارد.)

e.g. those books

آن کتاب‌ها

(those قبل از اسم جمع به کار می‌رود و اشاره به دور دارد.)

صفت‌های ملکی

صفت‌های ملکی برای نشان دادن مالکیت به کار می‌روند و همراه با یک اسم می‌آیند.

e.g. She is my wife.

اسم صفت‌ملکی

e.g. His car is beautiful.

اسم صفت‌ملکی

اتومبیل او زیباست.

۱ با صفت‌های ملکی در درس سوم کتاب زبان نهم آشنا شدید که عبارتند از:

my/ your/ his/ her/ its/ our/ their

۲ صفت ملکی را نباید با ضمیر ملکی اشتباه گرفت. صفت ملکی همواره با یک اسم (موصوف) همراه است، در حالی که ضمیر ملکی جایگزین صفت

ملکی و موصوف آن می‌شود.

e.g. It's my book. → It's mine.

صفت‌ملکی

ضمیرملکی

اعداد

بعد از اعداد، اسم می‌آوریم.

e.g. I have five dollars.

اسم عدد

من پنج دلار دارم.



حروف اضافه

بعد از حروف اضافه (at, to, on, in, ...) اسم می آید:
فردا به آفریقا سفر خواهیم کرد.

e.g. Tomorrow I will travel to Africa.
اسم حرف اضافه

صفت

بعد از صفت اسم به کار می رود.
او یک خانه گران قیمت دارد.

e.g. She has an expensive house.
صفت اسم

وابسته‌ها

بعد از وابسته‌هایی مثل (a little, little, a few, few, many, much, lots of, a lot of, some, ...) اسم به کار می رود.
من مقداری پول دارم.

e.g. I have some money.
اسم وابسته

e.g. There is a little sugar in the coffee.
اسم وابسته

مقداری شکر در قهوه وجود دارد.

3. This is low mountain, but mountains are high.

1) a/this

2) a/those

3) an/this

4) an/those

پاسخ: گزینه ۲ بعد از نقطه چین اول، اسم مفرد mountain به کار رفته، بنابراین باید نقطه چین را با a/an کامل کنیم. چون low با حرف صدادار شروع نشده است باید از a استفاده کنیم. (حذف گزینه‌های ۱ و ۳) بعد از نقطه چین دوم، اسم جمع mountains به کار رفته و به همین دلیل گزینه ۱ حذف می‌شود، چون this با اسم مفرد به کار می‌رود.

جمع بستن اسم‌های مفرد

۱ بیشتر اسم‌های مفرد با اضافه کردن s به آخر آن‌ها جمع بسته می‌شوند.

a boy → two boys	a girl → two girls
a pen → five pens	a door → four doors

۲ برای جمع بستن اسم‌هایی که به حروف "o, sh, ch, ss, s, x" ختم می‌شوند، به انتهای آن‌ها es اضافه می‌کنیم.

a box → two boxes	a bus → three buses
a glass → four glasses	a church → five churches
a brush → six brushes	a tomato → seven tomatoes

۳ اگر اسم مفرد به y ختم شود و قبل از آن حرف صدادار باشد، هنگام جمع بستن s می‌گیرد و اگر حرف قبل از آن بی‌صدا باشد، هنگام جمع بستن y به i تبدیل می‌شود و به جای s es می‌گیرد.

a day → two days	a baby → two babies
------------------	---------------------

۴ اسم‌های مفردی که به f یا fe ختم می‌شوند، در موقع جمع بستن f یا fe به ves تبدیل می‌شود.

a wife → two wives	a loaf → five loaves
a knife → three knives	a shelf → six shelves
a wolf → many wolves	a thief → seven thieves
a life → many lives	a half → two halves

۵ برای جمع بستن بعضی از اسم‌ها، قاعده خاصی وجود ندارد و باید شکل جمع آن‌ها را حفظ کنید.

a child → two children	a man → three men
a woman → four women	a mouse → five mice
a tooth → six teeth	a foot → seven feet
a person → many people	bacterium → many bacteria

تست‌های گرامر

Grammar Tests



کاربردها و تفاوت‌ها (will, be going to)

- آموزش ۶۰٪
- You look sleepy. I to you later.
 - will talk
 - talk
 - am talking
 - am going to talk
 - The man isn't looking where he is going. He into the wall.
 - will walk
 - walks
 - is walking
 - is going to walk
 - That bag looks heavy. I you with it.
 - 'm going to help
 - am helping
 - 'll help
 - help
 - A: "Have you decided where to go for your holidays?"
B: "Yes, we to Italy."
 - 're going to go
 - go
 - are go
 - 'll go
 - I think Ali the job. He has a lot of experience.
 - getting
 - won't get
 - will get
 - is going to get
 - A: "How old is she?"
B: "..... forty next month."
 - She was
 - She'll be
 - She is
 - She is going to be
 - Thanks for lending me the money. I you back on Friday.
 - won't pay
 - 'm going to pay
 - 'll pay
 - 'm paying



ترکیب زمان‌ها (حال ساده، حال استمراری، گذشته ساده، آینده)

- Reza his new book right now.
 - will read
 - is going to read
 - is reading
 - read
- We home very late last night.
 - get
 - got
 - are getting
 - will get
- He usually to call his father in the evenings.
 - try
 - will try
 - tries
 - is going to try
- A: "What is your plan for the weekend?"
B: "I at home."
 - rest
 - rested
 - am going to rest
 - will rest
- A: "It's cold in this room. Isn't it?"
B: "I on the heating system."
 - will turn
 - am going to turn
 - turned
 - am turning



اسم عام و خاص

- Today and plains are natural homes of many animals. One of them is black which lives in some parts of the
 - Iran's mountains / bear / country
 - Iran's mountain / Bear / Country
 - Iran's mountains / bear / Country
 - iran's mountains / Bear - country



همراهان و نشانه‌های اسم

- I had sandwich and apple for lunch. sandwich wasn't very good, but apple was nice.
 - the / a / An / a
 - the / the / A / an
 - a / an / The / the
 - a / a / The / the
- Tom sat down on chair nearest the door.
 - a
 - an
 - the
 -

33. If natural home is endangered, they may come to the village to hunt
- 1) wolves' / sheeps 2) wolves' / sheep 3) wolf / sheep 4) wolf / sheeps
34. What time the bus tomorrow?
- 1) will / arrive 2) does / arrive 3) is / arriving 4) is going / to arrive
35. A: "Did you mail the letters?"
B: "Sorry, I forgot. I them right now."
- 1) am going to email 2) mail 3) will mail 4) am mailing
36. A: "Can you buy black pen on your way home tonight?"
B: "Sure, I it."
- 1) --- / will get 2) a / will get 3) a / am going to get 4) --- / am going to get
37. There is hospital near university where I study art.
- 1) a - an 2) the - the 3) a - a 4) a - the
38. She lives on near Jake's
- 1) Elm Street - Shop 2) elm street - shop 3) Elm street - Shop 4) Elm Street - shop
39. Although Bill has been in trouble with the police, he earns
- 1) an honest penny these days by driving van. 2) an honest penny those days by driving a van.
3) a honest penny these days by driving a van. 4) an honest penny these days by driving a van.
40. A: "I heard Maryam has won some money."
B: "What she with?"
- 1) is / do 2) was / do 3) is / going to do 4) is / will
41. I tell anyone what happened, I promise.
- 1) will 2) won't 3) am going to 4) go
42. I've tried to give her advice, but she
- 1) will listen 2) is going to listen 3) won't listen 4) is not going to listen
43. Amir recommended good dentist, but dentist doesn't have an opening for two
- 1) a / the / months 2) the / the / month 3) a / a / months 4) an / the / month
44. I need smartphone which allows me to check email and use Facebook.
- 1) an / my 2) a / my 3) an / me 4) a / me
45. A: "Why are you holding a piece of paper?"
B: "I"
- 1) will write letter to my friends back home in the Tehran.
2) am going to write letter to my friends back home in Tehran.
3) am going to write a letter to my friends back home in the Tehran.
4) am going to write a letter to my friends back home in Tehran.
46. I think she win bronze medal in the competition.
- 1) will / the 2) will / a 3) is going to / - 4) is going to / a
47. We get together on night and celebrate birthday.
- 1) are going to / friday / him 2) will / Friday / him
3) are going to / Friday / his 4) are going to / the Friday / his
48. A: "Where are you going on holiday?"
B: "I don't know yet. Maybe"
- 1) I will go to China 2) I will go to the China
3) I am going to go to China 4) I'm going to go to the China.
49. If you take three cassettes, you one cassette free.
- 1) are going to get 2) get 3) are getting 4) will get
50. I have one - year - old girl. My brother brought MP3 player for her, but he didn't know that it wasn't useful for her.
- 1) an / a 2) a / an 3) an / an 4) a / a
51. photos here are much better than photos on the book.
- 1) This / that 2) These / those 3) Those / these 4) That / this

70. Richard seems to be unwilling to accept advice from native who try to help him with translations.
- 1) a / speakers / his 2) - / speakers / his 3) - / speaker / his 4) - / speakers / him
71. The moon round Earth.
- 1) is going to move / - 2) moves / - 3) moves/ the 4) moved / the
72. Child always cries when her mother out of the house.
- 1) went 2) gone 3) goes 4) will go
73. John bought new car last week. Unfortunately, car broke down after just two
- 1) a / the / days 2) a / a / days 3) the / the / day 4) the / a / day
74. People used to use candles for light but now they use electricity.
- 1) --- / --- / --- 2) --- / the / the 3) the / the / --- 4) the / --- / the
75. Which one is grammatically WRONG?
- 1) Ali's brother is a hardworking man. 2) She sat down at her desk and worked for two hours.
3) Frank is a farmer. He has four child. 4) There is one bus stop near our school.
76. Which one is grammatically WRONG?
- 1) Tooran is the natural home of the Persian zebra. 2) Moghan plain is a nice place in the northwest of Iran.
3) The Persian lion died out about 75 years ago. 4) There are a few Iranian Cheetahs.
77. Which one is grammatically correct?
- 1) Look at the sky! It was going to rain.
2) We are going to destroy nature. We take care of wildlife.
3) His family think he is going to become a doctor one day.
4) Alice is free tonight. She's going to read some poems.
78. I think it I just felt a drop.
- 1) will rain 2) is going to rain
3) rains 4) rained
79. We don't have enough time. Hurry up! The plane
- 1) going take off in an hour 2) will take off in a hour 3) is going to take off in a hour 4) takes off in an hour
80. I started a new blog. I'll do my best not to be one of right at the start and then quits blogging.
- 1) these people who blog a lot 2) this people who blogs a lot
3) those people who blog lot 4) those people who blogs a lot
81. My brother football with his friends tonight.
- 1) will play 2) was going to play 3) plays 4) is playing
82. who hunt for clues about the lifestyles of ancient peoples.
- 1) Archaeologist are those 2) Archaeologists is those
3) Archaeologists are those 4) Archaeologists are that
83. Latin Americans very little about history of the indigenous people who used to live here several ago.
- 1) know/the/centuries 2) knows/the/centuries 3) know/the/century 4) know/--/centuries
84. That's too heavy for you. I
- 1) am going to give you hand 2) am going to give you a hand
3) will give you hand 4) will give you a hand
85. Which one is grammatically WRONG?
- 1) I live in Iran.
2) He is going to go to Spain next summer.
3) There is a football match on the television this evening.
4) Call me when you arrive in Tehran.
86. Which one is grammatically correct?
- 1) Close window, please. 2) I'm going to buy a new car in afternoon.
3) The cat which is on the wall is brown 4) We live on Earth.



جلسه اول

1. endangered (adj.) / endanger (v.)

در معرض خطر / به خطر انداختن

syn at risk | unsafe | unprotected.

Elephants are actually **endangered** in east Africa

در واقع فیل‌ها در آفریقای شرقی در معرض خطر هستند.

2. alive (adj.)

زنده

syn having life | living **opp** dead

It was a bad accident, they are lucky to be **alive**.

تصادف بدی بود، آن‌ها خوش‌شانس هستند که **زنده** هستند.

3. increase (v.) (n.)

افزایش دادن، افزایش یافتن / افزایش

syn enhance | rise **opp** decrease | reduce

The population **increased** dramatically in the first half century.

جمعیت به‌طور چشمگیری در نیمه اول قرن **افزایش یافت**.

4. hear (v.)

شنیدن

She had never been **heard** to complain.

از او هرگز شکایتی **شنیده نشده بود**.

5. protect (v.) / protection (n.) / protective (adj.)

حفاظت کردن / حفاظت / محافظت‌کننده

syn defend

She kept her money **protected** in a safe.

او از پول‌هایش در یک گاو صندوق **محافظت می‌کرد**.

6. for example / example (n.)

برای مثال / مثال

Many, like Hilda, **for example**, come from a very poor background.

خیلی‌ها **برای مثال** هیلدا، وضعیت [خانوادگی] ضعیفی دارند.

7. Earth (n.)

زمین

The pilot brought the plane back to the **Earth**.

خلبان هواپیما را به **زمین** برگرداند.

8. forest (n.)

جنگل

a tropical forest

یک جنگل استوایی

syn jungle | woods

Tropical **forests** used to cover 10% of the earth's surface.

سابقاً **جنگل‌های** استوایی ۱۰٪ از سطح زمین را پوشانده بودند.

9. destroy (v.) / destruction (n.) / destructive (adj.)

خراب کردن / خرابی / مخرب

opp build

The school was completely **destroyed** by fire.

مدرسه به طور کامل به وسیله آتش **تخریب شد**.

10. die out (phr. v.) / die (v.) / death (n.) / dead (adj.)

منقرض شدن / مردن / مرگ / مرده

The population of tigers in Iran is in danger of **dying out**.

جمعیت ببرها در ایران در خطر **انقراض** است.

11. pay attention (v.)

توجه کردن

attention (n.)

توجه

I'm sorry, I wasn't **paying attention** to what you were saying.

متأسفم، من **توجهی** به آنچه تو می‌گفتی نداشتم.

12. natural (adj.)

طبیعی

Death is a **natural** event which you have to accept.

مرگ یک رویداد **طبیعی** است که تو باید آن را بپذیری.

13. plain (n.)

۱- دشت ۲- ساده ۳- بدون طرح

plan (n.) (v.)

نقشه، برنامه‌ریزی کردن

plane(n.)

هواپیما

planet(n.)

سیاره

plant(n.) (v.)

گیاه / کاشتن

Today most travelers would like to see the **plains** of Iran.

امروزه اغلب مسافرها تمایل دارند که **دشت‌های** ایران را ببینند.

Her clothes were **plain**.

لباس‌هایش **ساده** بودند.

14. hope (v.)

۱- امیدوار بودن ۲- امید ۳- امیدواری

hopeful (adj.)

امیدوار

It is **hoped** that the study will provide some useful information.

این **امیدواری** وجود دارد که این تحقیق مقداری اطلاعات مفید فراهم کند.

15. a few (adj.)

تعداد کمی

opp many

A few of the people were getting annoyed.

تعداد کمی از مردم آزرده شدند.

16. human (n.) (adj.)

۱- انسان ۲- انسانی / مهربان

humor (n.)

شوخی، طنز

humid (adj.)

مرطوب

syn person

There are many different cell types in the **human** body.

انواع مختلفی از سلول‌ها در بدن **انسان** وجود دارد.

17. instead of

به جای، در عوض

syn as a replacement

You probably picked up my keys **instead of** yours.

شما احتمالاً کلیدهای من را به **جای** کلیدهای خودتان برداشته‌اید.

18. future (adj.)

آینده

feather (n.)

پر

feature (n.)

ویژگی

opp past

They plan on getting married in the near **future**.

آن‌ها قصد دارند که در **آینده** نزدیک ازدواج کنند.

19. save (v.)

۱- نجات دادن ۲- ذخیره کردن ۳- پس‌انداز کردن

syn keep safe | protect

She had never been able **to save** much from her salary.

او هرگز قادر نبوده که مقدار زیادی از حقوقش را **پس‌انداز کند**.

20. take care of (phrase)

مراقبت کردن

syn look after

The children are old enough to **take care of** themselves.

بچه‌ها به اندازه کافی بزرگ هستند که از خودشان **مراقبت کنند**.

<p>21. injured (adj.) / injury (n.) مجروح / جراحت injure (v) مجروح کردن، مصدوم کردن syn damaged A road accident left him severely injured. تصادف جاده‌ای او را به شدت مجروح ساخت.</p>
<p>22. plan (n.) (v.) ۱- نقشه ۲- برنامه‌ریزی کردن ۳- قصد داشتن syn project schedule strategy I have no plans to retire. من هیچ برنامه‌ای برای بازنشستگی ندارم.</p>
<p>23. wild (adj.) وحشی After climbing the hill, we arrived at a field full of wild flowers. بعد از بالا رفتن از تپه، ما به یک مزرعه‌ی پر از گل‌های وحشی رسیدیم.</p>
<p>24. safe (adj.) ۱- امن ۲- ایمن، در امان ۳- بی خطر syn protected She doesn't feel safe in the house on her own. او در خانه به تنهایی احساس امنیت نمی‌کند.</p>
<p>25. recently (adj.) / recent (n.) به تازگی، اخیراً / جدید، اخیر syn newly lately I saw her recently in the museum. من او را اخیراً در موزه دیدم.</p>
<p>26. hurt (n.) ۱- صدمه زدن ۲- آسیب رساندن syn injure damage harm He was hurting badly but he smiled through tear. او به طور جدی صدمه دید، اما او در میان اشک‌هایش لبخند می‌زد.</p>
<p>27. proper (adj.) مناسب syn suitable appropriate fit You can't climb a mountain without the proper equipment. شما نمی‌توانید بدون تجهیزات مناسب از کوه بالا بروید.</p>
<p>28. common (adj.) ۱- رایج، متداول ۲- زیاد ۳- مشترک syn ordinary regular It's common for children to have middle ear infection. برای بچه‌ها رایج است که عفونت گوش میانی داشته باشند.</p>
<p>29. appropriate (adj.) مناسب، شایسته syn suitable proper I didn't feel that this was an appropriate time to mention the subject of money. من احساس نکردم که وقت مناسبی برای بیان موضوع پول باشد.</p>
<p>30. idea (n.) ۱- نظر، عقیده ۲- فکر It was my wife's idea to buy that house. خرید آن خانه نظر همسر بود.</p>
<p>31. interested (adj.) / interesting (adj.) / interestingly (adv.) علاقه‌مند / جالب / به طور قابل توجهی، جالب است که ... ۱- علاقه ۲- علاقه‌مند کردن syn absorbed attracted keen Are you interested in playing tennis? آیا شما علاقه‌مند به بازی تنیس هستید؟</p>
<p>32. pain (n.) / painful (adj.) / painfulness (n.) درد / دردناک / رنج، زحمت syn ache She is in great pain. او درد زیادی دارد.</p>

<p>33. follow (v.) / follower (n.) پیروی کردن، دنبال کردن / پیرو syn go after She went back into the house, and Ben followed her. او به خانه برگشت و بن هم او را دنبال کرد.</p>
<p>34. add (v.) اضافه کردن syn join connect We can add your name in our mailing list. ما می‌توانیم اسم شما را به فهرست پستی‌مان اضافه کنیم.</p>
<p>35. rule (n.) قانون role (n.) نقش syn law Help them understand my rules in the office. به آن‌ها کمک کن تا قوانین من در اداره را درک کنند.</p>
<p>36. lose (v.) ۱- گم کردن ۲- از دست دادن ۳- باختن loss (n.) ۱- ضرر ۲- صدمه ۳- فقدان syn miss I need to lose 5kg before the wedding ceremony. من باید قبل از مراسم ازدواج ۵ کیلوگرم وزن کم کنم.</p>
<p>37. really (adv.) / real (adj.) / reality (n.) واقعاً / واقعی / واقعیت syn actually certainly in fact surely They are not really my aunt and uncle. آن‌ها واقعاً عمه و عموی من نیستند.</p>
<p>38. divide (v.) / division (n.) تقسیم کردن / تقسیم Animals can be divided into wild and farm animals. حیوانات را می‌توانند به حیوانات وحشی و اهلی تقسیم شوند.</p>
<p>39. hopefully (adv.) ۱- امیدوارانه "Will there be any food leftover?" He asked hopefully. او امیدوارانه پرسید: «آیا هیچ غذایی باقی خواهد ماند؟»</p>
<p>40. boring (adj.) / bored (adj.) کسل‌کننده / کسل syn uninteresting opp amusing Her husband is the most boring person I've ever met. همسر او کسل‌کننده‌ترین شخصی است که تا کنون ملاقات کرده‌ام.</p>

جلسه دوم

<p>41. amazing (adj.) / amazed (adj.) حیرت‌آور / حیرت‌زده syn surprising An amazing number of people registered. شمار زیادی از مردم اسم‌نویسی کردند.</p>
<p>42. plant (n.) (v.) ۱- گیاه ۲- کاشتن Don't forget to water the plants. فراموش نکن که به گیاهان آب بدهی.</p>
<p>43. pattern (n.) الگو syn method Weather patterns have changed in recent years. الگوهای آب و هوا در سال‌های اخیر تغییر کرده است.</p>
<p>44. simple (adj.) ساده syn easy opp complicated A simple color mixes with another color and build a complex one. یک رنگ ساده با رنگی دیگر ترکیب می‌شود و یک رنگ مرکب می‌سازد.</p>



۱- کامل کردن ۲- کامل 45. complete (v.) (adj.)

syn finish | end

In order to enjoy the game, it will be necessary to get the **complete** and official rules.

برای لذت بردن از بازی ضروری است که قوانین **کامل** و رسمی را دریافت کنید.

۱- هدف ۲- پایان ۳- پایان دادن 46. end (n.) (v.)

Costs are expected to double by the **end** of 2012.

انتظار می‌رود که قیمت‌ها در **انتهای** سال ۲۰۱۲ دو برابر شود.

47. expression (n.)

۱- حالت، حالت چهره ۲- اصطلاح ۳- تجلی ۴- احساس
Facial **expressions** are effective in a formal lecture.

حالات چهره در سخنرانی رسمی مؤثر است.

تشخیص دادن، شناسایی کردن 48. identify (v.)

syn recognize | distinguish

Scientists have **identified** the gene that causes abnormal growth.

دانشمندان ژنی را **تشخیص دادند** که باعث رشد غیر طبیعی می‌شود.

۱- کبریت ۲- مسابقه ۳- وصل کردن ۴- جور کردن 49. match (n.) (v.)

They have won their last five home **matches**.

آن‌ها پنج **مسابقه** آخر خانگی‌شان را پیروز شدند.

برنامه 50. schedule (n.)

syn program | plan

Do you have a **schedule** for the tour?

آیا شما **برنامه‌ای** برای تور دارید؟

برج 51. tower (n.)

Don't go up the **tower** if you're afraid of heights.

اگر از ارتفاع می‌ترسی، بالای **برج** نرو.

استراتژی 52. strategy (n.)

syn plan

It is time to develop an economic **strategy**.

وقت آن است که یک **استراتژی** اقتصادی را طراحی کنیم.

اگرچه، با وجود این 53. however (adv.)

This is a cheap and simple process. **However**, there are dangers.

این کاری [فرایندی] ارزان و ساده است. **با وجود این**، خطراتی دارد.

۱- دایره ۲- دایره کشیدن 54. circle (n.) (v.)

Draw a **circle** with a compass.

با پرگار یک **دایره** بکش.

خلیج 55. gulf (n.)

The Persian **Gulf** is very important for Iran's economy.

خلیج فارس برای اقتصاد ایران خیلی اهمیت دارد.

۱- معمولی ۲- منظم 56. regular (adj.)

syn ordinary | normal | common | usual

His breathing was slow and **regular**.

نفس کشیدن او آرام و **منظم** بود.

جاده 57. road (n.)

syn way | path

There were lots of cars parked on the **road**.

ماشین‌های پارک شده زیادی در **جاده** وجود داشتند.

بازدیدکننده 58. visitor (n.)

The museum gets **visitors** from all over the world.

این موزه **بازدیدکننده‌هایی** از سراسر جهان دارد.

59. mountain (n.)

mention (v.)

maintain (v.)

She was the first woman to climb that **mountain**.

او اولین زنی بود که از آن **کوه** بالا رفت.

60. pilot (n.)

The official report into the accident says that it was caused by **pilot** error.

گزارش رسمی تصادف بیان می‌کند که آن سانحه به خاطر اشتباه **خلبان** اتفاق افتاده است.

61. weather (n.)

Weather patterns have been changing as a result of global warming.
الگوی **آب و هوا** در نتیجه گرم شدن جهان تغییر کرده است.

62. relative (n.)

Her friend is a distant **relative** of mine.

دوست او **فامیل** دور من است.

63. soon (adv.)

David arrived **sooner** than I expected.

دیوید **زودتر** از آنچه انتظار داشتم رسید.

64. else (adv.)

I'd like to live anywhere **else** but here.

من دوست دارم هر جای **دیگری** به جز این‌جا زندگی کنم.

65. nature (n.)

You can't find this color in **nature**.

شما نمی‌توانید این رنگ را در **طبیعت** پیدا کنید.

66. movie (n.)

syn film

It was like one of those old John Wayne **movie**.

آن شبیه یکی از **فیلم‌های** قدیمی «جان وین» بود.

67. place (n.) (v.)

syn site | spot | position | situation | location

A person can only be in one **place** at one time.

یک نفر در یک زمان فقط می‌تواند در یک **مکان** باشد.

68. among (pre.)

He was hidden **among** jungle.

او در **میان** جنگل پنهان شد.

69. dry (adj.)

The jacket kept me warm and **dry**.

ژاکت من را **گرم و خشک** نگه داشت.

70. country (n.)

Their route was across the **country** through fields of corn.

مسیر آن‌ها از سوی **روستا** و از میان مزارع ذرت بود.

71. near (adv.)

syn close **opp** far

A bomb exploded somewhere **near**.

بمبی جایی در این **نزدیکی** منفجر شد.

72. enough (adv.)

There is **enough** food for everyone.

غذای **کافی** برای همه وجود دارد.

73. especially (adv.) / special (adj.)

Enough sleep is **especially** important for children's health.

خواب **کافی** به **ویژه** برای سلامت بچه‌ها مهم است.

74. put out (phr. v.) The rescue team are still trying to put out the fire. تیم نجات هنوز در حال تلاش برای خاموش کردن آتش است.	خاموش کردن
75. cut down (phr. v.) I'm trying to cut down on caffeine. دارم تلاش می‌کنم مصرف کافئین را کم کنم .	[درخت] قطع کردن / کم کردن، کاهش دادن
76. lake (n.) Are there any fish in the lake ? آیا هیچ ماهی‌ای در دریاچه وجود دارد؟	دریاچه
77. around (adv.) syn surrounding There are many natural places around us. مکان‌های طبیعی زیادی در اطراف ما وجود دارد.	اطراف
78. orally (adv.) The statement may be given orally or in writing. بیانیه ممکن است به صورت شفاهی و یا به صورت کتبی داده شود.	به طور شفاهی
79. Persian (adj.) A Persian carpet is a valuable souvenir. فرش ایرانی سوغاتی با ارزشی است.	ایرانی
80. anymore (adv.) She refused to listen anymore . او امتناع کرد که بیش از این گوش بدهد.	دیگر، بیش از این

جلسه سوم

81. stay (v.) syn remain Are you sure you can't stay a little longer? آیا مطمئن هستید که نمی‌توانید کمی بیشتر بمانید ؟	۱- ماندن ۲- اقامت کردن
82. poem (n.) I decided to write a poem about how I felt. من تصمیم گرفتم شعری درباره آنچه احساس می‌کردم بنویسم.	شعر
83. only (adv.) There are only a few cars on the island. فقط تعداد کمی ماشین در جزیره وجود دارد.	فقط
84. careful (adj.) Sarah was careful about what she ate. سارا مراقب آنچه که می‌خورد بود.	دقیق / مراقب
85. aquarium (n.) A lot of fishes are seen in this aquarium . ماهی‌های زیادی در این آکواریوم دیده می‌شوند.	آکواریوم
86. consider (v.) Have you considered the possibility of retiring? آیا امکان بازنشسته شدن را در نظر گرفته‌اید ؟	۱- در نظر گرفتن ۲- بررسی کردن
87. conversation (n.) You should read the conversation on page 30 before the exam. شما باید مکالمه صفحه ۳۰ را قبل از امتحان بخوانید.	۱- مکالمه ۲- گفت‌وگو
88. decrease (v.) syn reduce lower opp increase During this period, unemployment decreased considerably. در طی این دوره، بیکاری به‌طور چشمگیری کاهش یافت .	کاهش دادن

89. hard-working (adj.) Heart is the hard-working part of the body. قلب قسمت سخت‌کوش بدن است.	سخت‌کوش
90. voluntary (adj.) syn willing She does a lot of voluntary work for the Red Cross. او کارهای داوطلبانه زیادی برای صلیب سرخ انجام می‌دهد.	داوطلبانه
91. species (n.) We must protect pandas and other endangered species . ما باید از پانداها و گونه‌های دیگر محافظت کنیم.	گونه، نوع
92. zookeeper (n.) We need to employ 4 zookeepers . ما نیاز داریم که ۴ مأمور باغ‌وحش استخدام کنیم.	مأمور باغ‌وحش
93. comprehension (n.) syn understanding They don't have the least comprehension of what I'm trying to do. آن‌ها کم‌ترین درکی از آنچه که من تلاش می‌کنم انجام بدهم ندارند.	درک، فهم
94. hot (adj.) It's so hot in here, can I open the window? این‌جا خیلی گرم است می‌توانم پنجره را باز کنم؟	گرم
95. nowadays (adv.) syn now at the moment Most people nowadays are aware of the importance of a healthy diet. امروزه اغلب مردم از اهمیت رژیم غذایی سالم آگاه هستند.	امروزه
96. free (adj.) We had a free discussion about religion. ما یک بحث آزاد در مورد مذهب داشتیم.	آزاد، رایگان
97. low (adj.) syn small little short Fat people should eat food that is low in calories. آدم‌های چاق باید غذایی که کالری کمی دارد بخورند.	کم و اندک
98. singular (adj.) If the subject is singular , use a singular verb. اگر فاعل مفرد است، از یک فعل مفرد استفاده کنید.	مفرد، تک، منفرد
99. report (n.) (v.) syn record According to recent reports , two of the victims are American. بر طبق گزارشات اخیر، دو نفر از قربانیان آمریکایی هستند.	گزارش، گزارش دادن
100. right (adj.) (n.) syn good correct Is that the right time? آیا آن زمان مناسب است؟	۱- خوب، شایسته، مناسب ۲- حق
101. different (adj.) syn unlike various Our sons are very different from each other. پسرهای ما خیلی متفاوت از همدیگر هستند.	متفاوت
102. mean (v.) The red light means stop. چراغ قرمز به معنای توقف است.	معنی دادن


103. danger (n.) خطر

The refugees believe that their lives are in **danger**.
پناهندگان معتقدند که زندگی‌شان در **خطر** است.

104. excuse me (phrase) پوزش می‌خواهم

Excuse me, does this bus go to Oxford Street?
پوزش می‌خواهم، آیا این اتوبوس به خیابان آکسفورد می‌رود؟

105. whenever (conj.) (adv.) هر وقت

Call me **whenever** you get home.
هر وقت به خانه رسیدید، به من زنگ بزنید.

106. out of (pre.) بیرون از

The teacher has gone **out of** town.
معلم به **بیرون از** شهر رفته است.

107. graph (n.) نمودار

The **graph** shows that wages rose in the recent year.
نمودار نشان می‌دهد که دستمزدها در سال اخیر افزایش یافته است.

108. lifespan (n.) طول عمر

Men have a shorter **lifespan** than women.
مردها **طول عمر** کمتری نسبت به زن‌ها دارند.

109. base on (phr. v.) بر پایه ... قرار دادن

We need an economy **based on** farming.
ما به یک اقتصاد **بر پایه** کشاورزی نیاز داریم.
based on بر اساس / بر مبنای

110. average (adj.) ۱- میانگین ۲- متوسط

syn norm | medium
Last winter was colder than **average**.
زمستان گذشته سردتر از حد **متوسط** بود.

111. fill in (phr. v.) پر کردن، کامل کردن

syn complete
Don't forget to **fill in** your account information.
فراموش نکنید که اطلاعات حساب خودتان را **پر کنید**.

112. unscramble (v.) ۱- مرتب کردن ۲- رمزگشایی کردن

The role of historians - who are scientists of the human - is to **unscramble** myths.
نقش مورخ‌ها - که دانشمندان علوم [انسانی] هستند - **رمزگشایی** کردن از افسانه‌هاست.

113. point (v.) اشاره کردن

syn show
She was **pointing** to a small boat that was approaching the shore.
او به یک قایق کوچک که داشت به ساحل نزدیک می‌شد **اشاره** می‌کرد.

Animals

114. bear	خرس
115. cheetah	یوزپلنگ
116. dolphin	دلفین
117. duck	اردک
118. elephant	فیل
119. fox	روباه
120. gazelle	غزال
121. goat	بز
122. leopard	پلنگ
123. panda	پاندا
124. tiger	ببر
125. whale	نهنگ
126. wolf	گرگ
127. zebra	گورخر

تست‌های واژگان
Vocabulary Tests

87. Parents should teach their children to behave in public.
1) properly 2) completely 3) naturally 4) badly
88. If you paid more in class, you might actually learn something.
1) information 2) protection 3) expression 4) attention
89. In the early hours of Saturday morning, a bomb attack one car and damaged another.
1) died out 2) injured 3) destroyed 4) hunted
90. The Heart is a/an part of the body, pumping blood every day of your life.
1) hard-working 2) average 3) recent 4) endangered
91. He would never do anything to the lives of his children.
1) decrease 2) keep safe 3) take care 4) endanger
92. We only have about two months of winter here and only one of those is cold.
1) really 2) harmfully 3) hopefully 4) especially
93. Many people saw things as they were reported on the TV news, or on the radio as they drove along.
1) died out 2) put out 3) heard about 4) protected from
94. The book was a little at first, but actually I found it quite interesting once I really got into it.
1) dangerous 2) wonderful 3) safe 4) boring
95. We should Iranian tigers, because they are endangered animals and they are in danger of dying out.
1) save 2) mean 3) put 4) hope

96. Sunglasses your eyes from most of the damage caused by the Sun.
 1) increase 2) protect 3) close 4) open
97. You will surely succeed if you do not hope and keep on trying.
 1) bring 2) attend 3) save 4) lose
98. It's becoming more and more for women to keep their family name when they marry.
 1) boring 2) common 3) different 4) safe
99. That was a / an she hadn't heard before, and wondered what it meant.
 1) expression 2) information 3) attention 4) protection
100. It was important to have a place for children to play while their parents were shopping.
 1) safe 2) common 3) hopeful 4) proper
101. The greatest damage being done to our planet today, is that being done by
 1) visitors 2) followers
 3) firefighters 4) humans
102. When the number of people on Earth increases, they need more places for living. They trees and destroyed lakes.
 1) put out 2) fill in 3) cut down 4) die out
103. Nick his back and the doctor says he will have to rest for a few weeks to become healthy.
 1) hunt 2) hurt 3) heard 4) brought
104. She doesn't make much money, but she still manages to a few dollars each week and she wants to buy a car.
 1) lose 2) bring 3) protect 4) save
105. I know you're sad about your car being damaged, but you weren't injured and you should be thankful to be
 1) alike 2) alive 3) among 4) against
106. I'd like to think he wouldn't have left us if he hadn't also been in physical
 1) danger 2) attention 3) nature 4) pain
107. Cactus is an appropriate for indoor spaces. It doesn't need much sunshine and water.
 1) pain 2) plant 3) plan 4) plain
108. Since it will be cold soon, it might be nice to doing something outdoors the final few warm days we have before winter sets in.
 1) destroy 2) enjoy
 3) increase 4) protect
109. I don't feel that this was a/an time to mention the subject of money.
 1) short 2) long 3) natural 4) appropriate
110. The country is changing very quickly and many of the old traditions are and it's really bad.
 1) putting out 2) going out 3) helping out 4) dying out
111. Your information packet includes a map and a of all events at the conference you may need.
 1) schedule 2) span 3) weather 4) rule
112. In the late 1990's Uremia, in north-western Iran, was twice as large as Luxembourg and the largest saltwater in the Middle East.
 1) forest 2) lake 3) river 4) plain
113. They worked to change part of the school ground, where children will be able to grow plants and study
 1) future 2) hunter 3) nature 4) number
114. The friends wrote the original stories, and songs that are used on the CDs and provided the voices.
 1) plains 2) poems 3) lands 4) lakes
115. After a fire destroyed almost the whole city on the night of August 16, 1296, a new city was developed.
 1) plan 2) plain 3) place 4) pain
116. He also asked more questions until we were certain he was my twin brother.
 1) non 2) a few 3) a lot 4) most
117. Some students weren't as smart as others, so they failed a/an and were held back to repeat the same year.
 1) exam 2) report 3) chart 4) strategy
118. Many people want to stop the of grizzly bears because they are afraid the animals are becoming extinct.
 1) considering 2) hunting 3) protecting 4) dividing
119. She did well on the written exam, but got so nervous during the that she could hardly open her mouth.
 1) oral 2) recent 3) helpful 4) special

142. I believe it's the president's job to solve problems, not to pass them on to presidents and next generations.
 1) future 2) past 3) life 4) present
143. The people we spoke to were all very and friendly and we were only sorry we couldn't stay longer.
 1) helpful 2) boring 3) injured 4) dangerous
144. If you aren't about what you eat, you'll put back on all the weight that you spent so much time losing.
 1) hurtful 2) dangerous 3) simple 4) careful
145. Money can't buy happiness, it's more comfortable to cry in a Maserati than in a Pride.
 1) also 2) however 3) and 4) especially
146. Living in Nepal was a very experience for me and taught me to look at the world differently.
 1) negative 2) long 3) bad 4) positive
147. You show the warmth of your friendship in so many ways. That's why I hope your birthday is the happiest of days.
 1) dangerous 2) simple 3) different 4) boring
148. Love is not about running into each other in crowds. Love is an impossible meeting. For example, I am a bird flying in the sky, you are a leopard in We just fall in love accidentally.
 1) lake 2) forest 3) village 4) city
149. The hospital has asked various organizations to help raise money for the new operating theatre.
 1) hopeful 2) voluntary 3) future 4) boring
150. The woman was unable to the man who stole her bag because it had been too dark at the time of the robbery.
 1) consider 2) save 3) hunt 4) identify
151. There is some in the old saying that there is a small child in each of us only waiting to get out to play.
 1) truth 2) nature 3) pain 4) hurt
152. She was sitting as usual at the table with sheets and all around her, a pen in her hand and a coffee close by.
 1) spans 2) charts 3) rules 4) periods
153. Draw a /an to show changes in the death rate over this period in the United States.
 1) schedule 2) lake 3) lifespan 4) graph
154. When facing a /an animal the last thing you should do is running away because it will most likely run faster than you.
 1) small 2) farm 3) wild 4) endangered
155. Sometimes you will be required to an application form which will be used to select candidates for an interview.
 1) base on 2) add to 3) hear of 4) fill in
156. The police are carrying out spot checks on drivers over the Christmas to test for alcohol levels.
 1) span 2) chart 3) graph 4) period
157. I'm that when both sides understand the situation better, they will agree to meet and cooperate.
 1) boring 2) hopeful 3) natural 4) dangerous
158. Knowledge is a comfortable and necessary retreat and shelter for us in advanced age; and if we do not it when we are young, it will give us no shade when we grow old.
 1) plan 2) plant 3) pattern 4) nature
159. Teacher, if you are a beautiful Sun of the sky, we are underground lovely grasses, it is that you give us new life. Day and night you help us to ourselves.
 1) take care of 2) cut down 3) put out 4) die out
160. Successful people are not necessarily more intelligent than the people, but they are more courageous, more determined, and more persistent.
 1) boring 2) strange 3) average 4) young
161. My wife and I are very happy to hear the news of your marriage. We send you both our love and you will have nothing but joy and happiness in your life together.
 1) save 2) hunt 3) lose 4) hope
162. As you take your new road, we wish you success, happiness, and achievements. You may live the life of your dreams each moment and success you all your life.
 1) inform 2) follow 3) bring 4) pay



163. Boxer Mohammad Ali once said that only a man who knows what its like to be defeated can reach down to the bottom of his soul, and come up with the extra ounce of power it takes to win the is even.
 1) protection 2) information
 3) interest 4) match
164. Tom has recently gained weight, so he is going to on fast food and eat a balanced diet to lose extra weight.
 1) cut down 2) increase 3) follow 4) put out
165. Attempts at voluntary regulation had failed because two men companies with standards had not joined the system.
 1) boring 2) amazing 3) natural 4) low
166. We should look with deep understanding and compassion upon those whose relationships have failed or are in of failing.
 1) plain 2) attention 3) danger 4) pain
167. If only they knew how much better they would feel with less weight on their heads, how much easier it would be to keep their hair beautiful and attractive by attention.
 1) alive 2) safe 3) regular 4) hot
168. Many people in Canada wonder why we continue to arrest young people for possession of marijuana when studies show that it is less than tobacco.
 1) hopeful 2) harmful 3) useful 4) wonderful
169. If we continue to use up the earth's resources, we will cause serious damage to the environment. We must do something about this or we will get into trouble.
 1) wild 2) large 3) natural 4) simple
170. Sources of information about career opportunities as a budget analyst may be available from your state or local important service.
 1) useless 2) correct 3) additional 4) false
171. It's all about meeting up with old mates, making new friends and being part of a massive crowd with one thing in
 1) common 2) nature 3) low 4) span
172. As U.S. Airways spokesman declined to comment on the charges, citing airline policy against revealing sensitive security information.
 1) attended 2) expressed 3) meant 4) cured
173. We have an innate because we have inherited a gene from our most successful ancestors.
 1) future 2) hunter 3) number 4) nature
174. Students also believed their colleagues use age as a/an to mask their real reasons for not returning to university.
 1) hope 2) excuse 3) hunt 4) protect
175. Antioxidant micronutrients found in fruits and vegetables have been shown in numerous studies to be against cancer.
 1) active 2) negative 3) dangerous 4) protective

تست‌های درک مطلب

Comprehension Tests

Cloze Test

1 On Saturday, Katie will be one year old. Katie's parents are going to have a birthday party. (176) begin at noon on Saturday. Many people (177) at the party. Katie will have so much fun!

Katie's dad is going to cook hamburgers. Katie's grandmother (178) ice cream. Katie's aunt is going to bake a cake. It will be a chocolate cake. Katie will love the (179) cake!

All of Katie's (180) will bring presents. Katie is going to open her presents after lunch. Then, everyone will eat cake and ice cream. Katie is going to have a good first birthday!

176. 1) A party is going to 2) The party is going to 3) A party will 4) The party will
 177. 1) will be 2) was 3) is 4) will
 178. 1) is bringing 2) brought 3) is going to bring 4) will bring
 179. 1) amazing 2) alive 3) natural 4) regular
 180. 1) ends 2) relatives 3) plains 4) reports

EO
تعمیرت 087

2 This weekend, Erica is going to compete in a tennis tournament. She will (181) hard all week because she wants to win the tournament. The winner will receive \$1,000. Erica (182) she will get first place!

Erica's husband is going to travel to the tournament with Erica. He will watch her competition. He will sit-in (183) stands and cheer for Erica. He is going to be proud of Erica even if she does not win first place.

Erica's parents (184) travel to the tournament. They will watch the tournament on television. They (185) for Erica at home. They are going to be proud of Erica whether she wins or loses.

- | | | | |
|------------------------|---------------------|--------------------|-------------------|
| 181. 1) consider | 2) practice | 3) decrease | 4) hear |
| 182. 1) hopes | 2) destroys | 3) hurts | 4) identifies |
| 183. 1) a | 2) an | 3) the | 4) that |
| 184. 1) don't going to | 2) are not going to | 3) didn't going to | 4) won't |
| 185. 1) will cheer | 2) is cheering | 3) cheered | 4) going to cheer |

EO
تعمیرت 0017

3 It has been confirmed that late on the night of the sixth of July, a large red truck ran into the bakery on Maryland Street. After an initial investigation by police, it is now clear that the truck had no driver at

all. The locals are asking a (186) question: "Where was the driver?" If the police want to solve this mystery, they (187) the CCTV footage from the street. One of the locals said: "We're all quite worried

about a truck with no driver. This truck has never been seen in the neighborhood before. If we'd seen that truck before, we'd solve this mystery now." Many locals share the same concerns. They want to know what (188)

in their town. A witness at the crime scene told police: "There was a loud noise coming from the truck while it was going towards the (189) and its speed ... it was unbelievable. If it had been going slower,

I would've had a chance to see the driver. But all I saw was the truck speeding into the bakery as fast as it could. "The police have already spoken with eleven other residents but no one knows any further details about

the incident. Superintendent Amanda Slippers remarked: "This is a tough case. The truck license plate belongs to this town, but nobody has seen it here. According to the town records, the owner of the truck moved away

from here years ago. No one knows where to. If we located the owner, we'd probably solve this mystery." If a truck moves, then it has a driver. Well, maybe we should (190) this basic assumption on account of this

mysterious red truck.

- | | | | |
|---------------------|-----------------|-------------|-------------|
| 186. 1) difficult | 2) different | 3) alive | 4) simple |
| 187. 1) will need | 2) needed | 3) need | 4) needs |
| 188. 1) is happened | 2) is happening | 3) happened | 4) happen |
| 189. 1) nature | 2) fire | 3) lake | 4) building |
| 190. 1) save | 2) hurt | 3) change | 4) divide |

4 Jonathan is a famous baker. He's hard-working and punctual (191) and bakes his products. Then he has his breakfast with his wife and opens his bakery. He usually has his favorite pear marmalade for breakfast. He has many

customers till afternoon. At noon, he has lunch at home. After lunch, he leaves the bakery to his son and sleeps about two hours. He returns to the shop and chats with his favorite customers. He's been the only baker in the town for

quite a long time, and now he has many friends who shop at his bakery. This has been the same routine for almost 25 years. Today his daily routine is not the same. This is the last day in his bakery. He's going to retire tomorrow.

He (192) in Hawaii with his wife next week. He has already booked his tickets. His son (193) care of the bakery. He normally wears white clothes but today he's wearing a Hawaiian shirt. He always has a siesta after lunch,

but today he's having a cup of espresso with his best friend. He's had a (194) working life. Now, he is ready to start (195), He wants to see new places. There's a luxury liners company in town and they send a liner every

Sunday to many different exotic places around the world. Tonight, he's starting his journey with his wife from the harbor. Tonight, one of the luxury liners is leaving the harbor, and Jonathan and his wife are embarking on it to start

their new life.

- | | | | |
|---|--|--|--|
| 191. 1) He always gets up at three o'clock every night. | 2) He gets up always every night at three o'clock. | 3) Always he gets up every night at three o'clock. | 4) Always he gets up at three o'clock every night. |
| 192. 1) is | 2) is going to be | 3) was | 4) are going to be |
| 193. 1) took | 2) is took | 3) is going to take | 4) take |
| 194. 1) dangerous | 2) long | 3) short | 4) wonderful |
| 195. 1) a new life | 2) a life new | 3) two new life | 4) new life |



Reading Test

1 The king of the jungle- lion is the most powerful animal. Lion lives in a group moderated by allied female lions. This animal has royal existence in jungles that resembles to the lifestyle of a king.

The group of lions is called prides. Mostly a pride consists of around fifteen individuals and sometimes reaches the number of forty lions per pride. After a certain time, male cubs break out from the group and usually grow to be wanderers. They merely break out from the pride when confronted by other lions. Nomads or grown-up lions typically walk with some difficulty, solitary or else in a group. This mammal has got a large head with a lustrous look into its eyes. It can easily hunt any other animal with its razor-sharp teeth, pointed nails, and burly scrapes. The stylish look of a lion includes grayish, silky and soft hair extended all over the body. Lions are never known for a speed and pace as similar to cheetahs, yet are for the furtiveness.

196. Why can lions hunt the other animals?

- 1) Because of their speed and pace which is very much like cheetahs.
- 2) Because the lion is the king of the forest.
- 3) Because the other animals are weak.
- 4) Because it has razor-sharp teeth, pointed nails, and burly scrapes.

197. The bold word and underlined "it" in the last paragraph refers to

- 1) eyes
- 2) lion
- 3) mammal
- 4) other animals

198. How many individuals are there in each pride?

- 1) fifteen individuals
- 2) fourteen to forty
- 3) around fifteen individuals and sometimes reaches the number of forty lions
- 4) always forty individuals

199. According to the passage, the difference between male and female lions is

- 1) after a while male lions break out from the group.
- 2) male lions are weaker than female lions, so leave the group.
- 3) The number of female lions is more than males.
- 4) Female lions don't hunt the other lions.

2 An endangered species is an animal or plant that's considered at risk of extinction. A species can be listed as endangered at the state, federal, and international level. On the federal level, the endangered species list is managed under the Endangered Species Act.

The Endangered Species Act has lists of protected plant and animal species both nationally and worldwide. When a species is given ESA protection, it is said to be a "listed" species. Many additional species are evaluated for possible protection under the ESA, and they are called "candidate" species.

The Endangered Species Act is very important because it saves our native fish, plants, and other wildlife from going extinct. Once gone, they're gone forever; losing even a single species can have disastrous impacts on the rest of the ecosystem because the effects will be felt throughout the food chain. From providing cures to deadly diseases to maintaining natural ecosystems and improving the overall quality of life, the benefits of preserving threatened and endangered species are invaluable.

Once a species becomes listed as "threatened" or "endangered", it receives special protections from the federal government. Animals are protected from "take" and being traded or sold. The term "take" is used in the Endangered Species Act to include "harass, harm, pursue, hunt, shoot, wound, kill trap, capture, or collect, or to attempt to engage in any such conduct. The law also protects against interfering in vital breeding and behavioral activities or degrading critical habitat.

200. The author of the passage has mentioned the phrase "Once gone, they're gone forever" in order to

- 1) lose a single species cannot have any impacts on the rest of the ecosystem
- 2) tell the reader how important it is to keep the endangered species well protected
- 3) say that even though some species are in real danger of being extinct, there is always a turning back point
- 4) say that an endangered plant should receive special protection

201. Based on the passage it can be implicitly understood that

- 1) the primary goal of the Endangered Species Act is to make species' populations healthy and vital so they can be delisted from the Endangered Species Act.
- 2) in order to be listed as a candidate, a species has to qualify for protected status under the Endangered Species Act.
- 3) whether or not a species is listed as endangered or threatened then depends on a number of factors, including the urgency and whether adequate protections exist through other means.
- 4) under the ESA, the federal government has the responsibility to protect endangered species (species that are likely to become extinct throughout all or a large portion of their range).

202. Which sentence can be taken as the topic for paragraph three?

- 1) endangered species
- 2) why we protect them
- 3) ESA protection
- 4) how a species gets listed

203. 4. All information is mentioned in the passage EXCEPT

- 1) some species are being inspected regularly for possible protection under the ESA.
- 2) the importance of the Endangered Species Act is because it saves our resources.
- 3) when deciding whether a species should be added to the Endangered Species List, some criteria are evaluated.
- 4) the government will harshly respond to illegal actions done by humans to the wildlife.

03
7.100.101.7

3 I, as an Iranian zoologist, have decided to write this letter to the makers of the "The Last Lions of India" documentary in order to inform them of the mistake they have made so that they, as well as apologizing to the people of Iran, can announce the truth to the world and the international viewers of this documentary.

At the beginning of the documentary, the narrator, Ms. D. Barlow, briefly mentions the Persian lion's distribution across the world, saying that "Once the Asiatic Lion used to live in the west of Asia and ancient Greece"; but she never mentions anything about Iran, which is the Persian lion's origin. It is necessary to understand that before the Persian lion spread out across Asia, it used to exclusively live in the vast areas of Iran such as the forests surrounding Karkheh, Dez, and Karoun rivers, and near Masjed Soleyman, Ramhormoz, Bushehr and Dasht-e Arzhan, west of Shiraz. Halfway through the documentary, the narrator mentions that people decided to stop the hunting of the Asiatic Lion and conserve its population, because their numbers were drastically decreasing, with less than 20 individuals extant in 1900. It should be interesting to know that the last Persian lion was seen in Iran in 1942.

According to evidence, there is no doubt now that the Persian lion became extinct as a result of the inconsiderateness of those occupiers, as they used to hunt the Persian lion as a favorite hobby. The same fate also befell the Caspian Tiger. At the end of the documentary, Mr. B. Pathak, the field director of Gir Forest National Park, states that "The Asiatic lions have become the pride of the country [India]". In response, I, as an Iranian zoologist, would say that if the last Persian lion, which was last seen in the northwest of Dezfoul in Khuzestan province of Iran, had not been hunted, now I could have said, "The Persian lions are the pride of Iran."

204. What is the author's purpose of the following sentence taken from paragraph four?

"The same fate also befell the Caspian Tiger."

- 1) That there were other circumstances in which hunting had been the reason for the extinction of a species.
- 2) That the Caspian Tiger does not exist anymore for different reasons.
- 3) That the Persian lion became extinct as a result of hunting.
- 4) That killing as a hobby had been the reason for the extinction of a species.

205. Which of the following questions does the passage try to answer?

- 1) Can the documentary be statically trusted worldwide?
- 2) Is hunting the real reason that the Caspian Tiger became extinct?
- 3) When was the last time a Persian Lion seen?
- 4) Where did the Persian Lion live?

206. In which paragraph has the writer used "Sarcasm" to make himself better understood?

- 1) paragraph one
- 2) paragraph three
- 3) paragraph four
- 4) paragraph five

207. The author has provided all of the following in relation to Persian Lion EXCEPT

- 1) the real reason for its extinction
- 2) where it was seen last
- 3) its habitat in Iran
- 4) its statistical census

4 Wildlife creates jobs through outdoor recreation, sustains food and water supplies, and helps us develop meaningful bonds with our natural world. Unfortunately, over the last century, many of our wildlife species have seriously declined due to rapid and large-scale changes to their habitats and ecosystems. We're working to grow wildlife populations by transforming the way we approach wildlife conservation.



Today the National Wildlife Federation and its affiliates are taking a series of critical and timely steps to not only reverse the decline of American wildlife populations, but to significantly increase their numbers over the next 30 years. In a time of rapid change, these actions are vital to helping fish and wildlife and their habitats adapt to major shifts. The National Wildlife Federation's Garden for Wildlife™ program helps people restore habitat and wildlife populations to our cities, towns, and neighborhoods. Since 1973, the program has been educating and empowering people to turn their small piece of the Earth - their yards and gardens - into thriving habitats for birds, butterflies, and other wildlife. In doing so, the Garden for Wildlife program helps wildlife and gives people a daily connection to the natural world. Scientists estimate that up to one-third of U. S. species are at increased risk of extinction, and more than 1,300 U. S. plants and animals already have been federally listed as threatened or endangered and protected under the Endangered Species Act. The National Wildlife Federation has long has been focused on protecting the most vulnerable of our wild species. We are committed to defending, strengthening, funding, and ensuring effective implementation of the Endangered Species Act and other wildlife laws to the maximum benefit of fish and wildlife populations.

208. The author has provided all of the information in relation to protecting wildlife EXCEPT

- 1) domestic habitual practice can help some species to live happily on earth
- 2) applying different approaches to achieve the most suitable option for wildlife conservation
- 3) protecting the most vulnerable species against extinction
- 4) advocating for conservation policy

209. What makes the focus of the second paragraph different from the rest?

- 1) it declares actions that need to be done practically if we want the wildlife to survive
- 2) shows statistical data on the decline of different species rather than debating the topic
- 3) It estimates the extinction rate in the near future
- 4) it talks about the educational influence on people's understanding of the wildlife

210. The author explains the danger wildlife is facing in paragraph four by

- 1) using sentences related to the idea that various species need to be protected
- 2) providing statistical data to show how important and specific the debate has become
- 3) defending, strengthening, funding, and ensuring the endangered species
- 4) showing how seriously the most vulnerable species are being protected

211. An appropriate title for the passage can be

- 1) The National Wildlife Federation
- 2) Wildlife conservation
- 3) Recovering Wildlife Populations
- 4) Protecting Endangered Species

سوالات کنکور

Vocabulary

212. A: "Did you know that Maria's getting married?"

B: "No, I didn't. How"?

- 1) hopeful
- 2) safe
- 3) wonderful
- 4) different

(هنر ۹۳ با تغییر)

213. He didn't pay as much as he had to when the store owner was describing the product, so he later was realized what he had bought was of little use to him.

- 1) intonation
- 2) strategy
- 3) increase
- 4) attention

(انسانی ۹۳ با تغییر)

214. This type of plant, which is rare here, is found in the mountains of South America.

- 1) finally
- 2) safely
- 3) commonly
- 4) deeply

(تجربی ۹۴ با تغییر)

215. He was until very the most powerful banker in the city, but some more powerful ones have started work.

- 1) naturally
- 2) commonly
- 3) regularly
- 4) recently

(ریاضی ۹۵)

216. Your facial can help to emphasize parts of your speech too: try smiling, or raising your eyebrows.

- 1) expressions
- 2) connections
- 3) intonations
- 4) conversations

(تجربی ۹۶)

217. The children were saved but the fire their home. (خارج از کشور ۹۶)
- 1) caught 2) suffered 3) destroyed 4) injured
218. The mother asked the teacher to kindly keep her her child's progress at school. (ریاضی ۹۷)
- 1) informed of 2) interested in 3) careful about 4) friendly towards
219. My wife told me to change my clothes because she thought I was not dressed for the party. (هنر ۹۷)
- 1) seriously 2) personally 3) commonly 4) appropriately
220. It is no surprise that Neil didn't learn much in that course; he actually didn't attend classes as as he should have. (تجربی ۹۸)
- 1) really 2) necessarily 3) emotionally 4) regularly
221. Nowadays people depend on TV; in fact, they are ever more influenced by whatever they see there. (انسانی ۹۸)
- 1) suddenly 2) quietly 3) increasingly 4) hopefully
222. I think we should all respect nature and governments should do more to environmental damage. (ریاضی ۹۹)
- 1) require 2) prevent 3) protect 4) convert
223. No, no. You seem to not have gotten the I have been trying to make; all I mean is that you should take better care of yourself. (ریاضی ۹۹)
- 1) point 2) matter 3) issue 4) advice
224. At first, the voters did not take much of him as the right man for the post, but now they believe he is effective enough. (انسانی ۹۹)
- 1) notice 2) matter 3) interest 4) attention
225. The young boy just how many stars existed in the whole universe, but it was unlikely that he would ever find his answer. (خارج از کشور انسانی ۹۹)
- 1) supposed 2) wondered 3) reminded 4) identified

Cloze Test

Rules about how (226) or suitable it is to hide or reveal emotions tend to vary from one country to other. Japan, (227), is a country in which great (228) is attached to control over the expression of negative feelings, so that (229) feelings are often masked by smile. This does not mean that Japanese people for not experience feelings of sadness, fear, or disgust. Rather, they are taught that is impolite to show these feelings in public. In private, however, these emotions re expressed in just the same (230) in other countries. (خارج از کشور ۹۴ با تغییر)

226. 1) appropriate 2) amazing 3) average 4) endangered
227. 1) however 2) for example 3) when 4) if
228. 1) difference 2) practice 3) increase 4) importance
229. 1) this 2) that 3) a 4) these
230. 1) plain 2) wildlife 3) way 4) schedule

Reading

① Human-related environmental issues are not new. The problem of deforestation, desertification, water pollution, climate change and the extinction of species have been present throughout the history of the Earth. However, with today's advanced science and technology, people can do greater damages to nature and do it more quickly. The impacts are further compounded. On the other hand, due to population growth, humans are encouraged more than ever to use natural resources to meet the needs of the increasing population, although they know what they are doing is not without environmental consequences. But most of all, the effect of human-created environmental modifications are no longer limited to a local or regional level, but are extending through the whole planet. The cause of environmental damage is deeply rooted in human culture. Through hundreds of years of industrialization



and exploitation of natural resources, humans are acting on the assumption that we are the best species on earth. Because of our cleverness, science and power and materialism we have lost our respect for nature, which would definitely result in our own destruction in the long term. In a world in which materialistic standards are in control, people are made to inefficiently use more natural resources, since personal wealth is becoming the ultimate measure of success in the eye of society. (تجربی ۹۷)

231. All of the following are mentioned as factors leading to more man-related damage to the environment EXCEPT

- 1) extinction of animals and plants
- 2) more advanced technology
- 3) growing human population
- 4) part of human culture

232. The word "it" in paragraph 1 refers to

- | | |
|---------------|---------------------|
| 1) Earth | 2) nature |
| 3) technology | 4) damage to nature |

233. It CANNOT be understood from the passage that if humans manage to be less materialistic, they would

- 1) prevent their long-term destruction
- 2) begin to show more respect for nature
- 3) make more reasonable use of natural resources
- 4) cause much less local than global damage to the environment

234. The passage seems to imply that the present human society

- 1) is in general ruled by materialistic standards
- 2) will soon stop viewing itself as the best society on this planet
- 3) is unaware of the global damage it is causing to the environment
- 4) would act more quickly to save the environment if it really knew how valuable the environment is

2 You may think that people are capable of living in a wide range of environments, from the hot deserts of Africa and the Middle East to the freezing cold of Siberia or Northern Canada. Being an intelligent species, we worked out how to use fire to keep us warm in cold conditions and, considerably later, air conditioning to keep us cool in hot climates. But there is a wide variety of organisms capable of living in environments in which no human could survive—the extremophiles.

Take, for example, *Spinoloricus cinzia*, a tiny creature, about a millimeter long and looking a little like a jellyfish. This recently discovered animal is particularly interesting, as it appears to be capable of living without oxygen and is thus a multi-cellular anaerobe. The cells of most organisms contain mitochondria, which use oxygen to generate energy, whereas the cells of *Spinoloricus cinzia* do not contain mitochondria. Most anaerobes so far discovered are microbes and use a form of fermentation to gain energy. Some anaerobes will actually die in the presence of oxygen. (انسانی ۹۸)

235. What is the main purpose of the passage?

- 1) To introduce a special type of creature
- 2) To show the role of fire in human survival
- 3) To prove the unimportance of oxygen for life
- 4) To describe newly discovered unfriendly environments

236. Which of the following statements about anaerobic organisms is supported by the passage?

- 1) They are all discovered and known to us.
- 2) They can live in a wide range of environments.
- 3) They have cells all of which have no mitochondria.
- 4) They are capable of surviving in environments empty of oxygen.

237. What does the word "which" in paragraph 2 refer to?

- | | |
|-----------------|----------------------------|
| 1) organisms | 2) cells of most organisms |
| 3) mitochondria | 4) multi-cellular anaerobe |

238. Which of the following reasoning techniques is NOT used in the passage?

- | | |
|--|--------------------------------------|
| 1) Describing cause and effect relationships | 2) Describing the steps in a process |
| 3) Referring to differences | 4) Use of examples |



گرامر

Grammar

این مثال‌های فارسی را بخوانید:

- ۱ ایران یک کشور زیباست.
- ۲ من از برادرم قدبلندتر هستم.
- ۳ علی باهوش‌ترین دانش‌آموز کلاس است.
- ۴ احمد هم‌قد برادرش است.

در مثال اول، زیبا یک صفت ساده است. در مثال دوم، قدبلندتر بودن، یک صفت تفضیلی است. در مثال سوم، باهوش‌ترین بودن یک صفت عالی است و در مثال چهارم، هم‌قد بودن یک صفت برابری است. این همه مقدمه‌چینی کردیم که بگوییم موضوع اصلی این درس صفت است.

صفت

صفت کلمه‌ای است که اسم را توصیف می‌کند، اطلاعات بیشتری درباره آن می‌دهد و یا یکی از ویژگی‌هایش را بیان می‌کند. برای مثال وقتی می‌گوییم **dark cloud** (ابر تیره)، در حال توصیف اسم **cloud** (ابر) با استفاده از صفت **dark** (تیره) هستیم.

جایگاه صفت:

صفت را می‌توان در دو جایگاه به کار برد:

قبل از اسم

او دختر زیبایی است.

e.g. She is a beautiful girl.

صفت اسم

e.g. Look at the blue sky above the sea.

صفت اسم

به آسمان آبی بالای دریا نگاه کن.

e.g. Mary lost her golden watch in the park.

صفت اسم

مری ساعت طلایی‌اش را در پارک گم کرد.

بعد از افعال ربطی

فهرست کامل افعال ربطی در جدول زیر آمده است:

to be (am/is/are/was/were/be/been/being)	بودن
get – grow – become – turn	شدن
look – seem – appear	به نظر رسیدن
feel	احساس کردن
taste	مزه دادن
smell	بو دادن

e.g. Be careful! Look at both ways when you cross the street.

صفت فعل ربطی

مراقب باش! هر وقت که از خیابان عبور می‌کنی به هر دو طرف نگاه کن. کسل‌کننده به نظر می‌رسد.

e.g. It looks boring.

صفت فعل ربطی

هوا دارد آفتابی می‌شود.

e.g. It is becoming sunny.

صفت فعل ربطی

چای مزه خوبی دارد.

e.g. The tea tastes good.

صفت فعل ربطی

هوا داشت تاریک می‌شد.

e.g. It was getting dark.

صفت فعل ربطی

مرغ بوی بدی می‌دهد.

e.g. The chicken smells bad.

صفت فعل ربطی

a rich man / two rich men

شکل صفت تغییر نمی‌کند، یعنی شکل مفرد و جمع آن یکسان است.

مهم‌ترین پسوندهای صفت‌ساز در جدول‌های صفحه بعد آمده است، حتماً آن‌ها را بخوانید.